

# آشنائی با چند نقاش ایرانی و هندی در اوایل قرن یازدهم هجری

(۲)

دکتر عیسی بهنام  
استاد دانشگاه تهران

در نمایشگاه مسکو و لنینگراد در معرض نمایش قرار داده شده . بنابراین بعضی از صفحات بنام «برگی از مرقع گلشن» معرفی میشود که جوان تر از عهد جهانگیر است . معلوم نیست این صفحات بعداً بمرقع ضمیمه شده یا اصولاً تعلق به مرقع نداشته و اشتباهاً آنرا بآن آلبوم نسبت میدهند .

۲ - متأسفانه بعضی صفحات بصورت رونوشتی از کارهای بهزاد یا رضا عباسی و نقاشان معروف دیگر عهد صفوی وجود دارد که در عهد ناصرالدین شاه بدست نقاشان معاصر با زبردستی کامل شبیه بکار نقاشان قدیم تهیه شده و از روی تقلید در زیر آن امضای هنرمندان قدیم مانند بهزاد یا رضا عباسی را رونوشت کرده‌اند و بدرباریان و علاقمندان بنقاشی فروخته‌اند و باین طریق این صفحات قلب نیز وارد در مجموعه‌ی پادشاه ایران شده . اینگونه تصاویر قلب وارد موزه‌ها و مجموعه‌های اروپایی و امریکایی نیز شده و اشکالات زیاد برای محققان تاریخ نقاشی ایران پیش آورده است .

علاقه‌ی جهانگیر به صفحات مصور بسیار زیاد بوده است . میگویند روزی یکی از سرداران را که عبدالله خان نام داشت برای تنبیه پیش او آوردند جهانگیر از دیدن قیافه‌ی آن سردار در آن وضع ، بحال خنده درآمد و دستور داد نقاشان برای نقش تصویر او آمدند و باین طریق سردار از مجازات رهایی یافت . در حقیقت هنر (یکه صورت سازی) در دربار پادشاهان هند شدیداً رواج داشت و این یکی از خصوصیات مکتب نقاشی هند و ایرانی است .

جهانگیر علاقه زیاد به خط میرعماد داشت و تعداد زیادی از صفحات میرعماد در مرقع گلشن بوسیله او گردآورده شده ،

در شماره پیش صحبت از مرقع گلشن بود ، معلوم نیست بچه طریق محمدشاه این مرقع را بدست آورده . میگویند پیش از این تاریخ مرقع گلشن در خانواده‌ی اردلان بوده و در تاریخ ۱۲۶۰ وارد کتابخانه سلطنتی گردید . بهر حال از بررسی این مرقع چنین برمیآید که ترتیب آن ، کار شاه قاجار نیست و بطور قطع این ابتکار از شخص جهانگیر پادشاه هندوستان است . باینحال در زمان ناصرالدین شاه تعمیرات و تغییرات جزئی در آن حاصل شده ، مثلاً گاهی کاغذهاییکه مخصوص پوشش دیوار و کار فرنگستان بوده برای حاشیه‌ی صفحات نقاشی شده بکار برده شده است . ولی حاشیه‌ی بسیاری از صفحات در زمان جهانگیر ترتیب داده شده و روی آن بوسیله نقاشان چیره‌دستی مانند آقا رضا مصوریا دولت و عبدالصمد نقاشی شده و ما پاره‌ای از این نقاشی‌ها را در مقاله‌ی پیش نشان دادیم . بسیاری از تصاویر صفحات از بزرگان دربار جهانگیر و نویسندگان و دانشمندان عهد آن پادشاه میباشند . بنابراین شکی نیست که جهانگیر شاه در تنظیم و ترتیب این مرقع مراقبت داشته است .

نباید تصور کرد که تمام این تصاویر از عهد جهانگیر است زیرا بسیاری از آنها متعلق به عهد پدر یا جد اوست که برای تنظیم مرقع گردآوری شده و نیز بعضی از آنها متعلق بنقاشانی مانند بهزاد و شاگردانش میباشد که قبل از دوران سلاطین تیموری یا در ابتدای عهد صفوی میزیسته‌اند .

در مورد این صفحات دو نکته را نیز باید در نظر گرفت :  
۱ - باید دانست که بسیاری از صفحات مرقع گلشن امروز بصورت برگ‌های مجزایی است . مثلاً تعدادی از این برگ‌ها

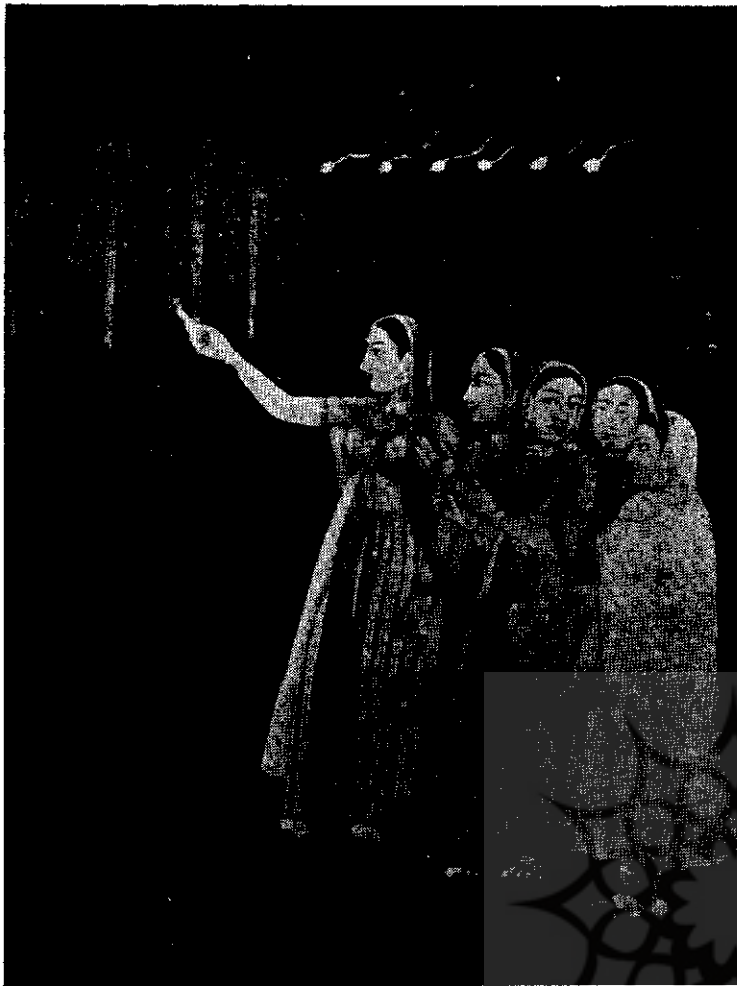


شکل ۱

میگویند شاه جهانگیر از مرگ میرعماد سخت ناراحت شد و گفته بود اگر شاهعباس میرعماد را بمن داده بود برابر او گوهر میدادم .

تمام صفحات مرقع گلشن امضاء ندارند . تعدادی از آنها بامضای ابوالحسن میباشند که نقاش دربار جهانگیر بود . بعضی از تصاویر متعلق به بلچند نقاش دربار اکبرشاه اند ، بشنداس یکی صورت ساز معروف و چترمن نقاش دربار شاه جهان و اورنگ زیب و فرخ بیگ نقاش عهد اکبرشاه ، کورودهن ، هاشم ، منوهر ، منصور که بیشتر حیوانات و نباتات را نقاشی میکرد ، شفیعه بانو ، مراد ، عبدالشکور ، محمد یوسف ، هنرمندان دیگری میباشند که کارهایشان در مرقع گلشن دیده میشود .

مرقع گلشن از نظر مطالعه تاریخ نقاشی ایران حایز اهمیت فراوان است . این آلبوم یادگار دوره ایست که هنر و تمدن ایران در هندوستان مورد علاقه و توجه بود . شه بانوی شاه جهان ، ممتاز محل ، ایرانی بوده ، و تاج محل که در جهان شهرت فراوان دارد آرامگاه اوست . پدرش آصف خان صدراعظم دربار



شکل ۲

شاه جهان بود . شاعر معروف دربار جهانگیر طالب گیلانی بوده و ابوطالب کلیم کاشانی شاعر رسمی دربار شاه جهان بوده است . خواهر ابوطالب ندیمه ممتاز محل بوده ، تاریخ نویس شاه جهان که کتاب پادشاه نامه را برای او نوشت از اهالی قزوین بوده است . بکیرخان نجم ثانی یکی از افسران معروف دربار پادشاهان هندوستان بود و «میان میر» استاد داراشکوه ، در سیستان بدنی آمده بود . ابوالحسن نقاش معروف جهانگیر پسر آقا رضای هراتی بوده است .

در شکل ۱ جهانگیرشاه پسر اکبرشاه ونوهی همایون پادشاه هند است - همایون شاه برای برقراری نظم در کشور خود از شاه طهماسب صفوی کمک خواسته بود و باین طریق توانسته بود مجدداً بر تخت پادشاهی بنشیند . وی در موقع مراجعت به هندوستان چند نفر از نقاشان ایرانی را همراه خود برده بود . در این شکل جهانگیر «بازی» بردست دارد و یکی از غلامانش در کنار او ایستاده . جهانگیر قبایی از حریر برتن دارد و عمامه اش با جواهرات مزین شده . سینه بندی از یاقوت



شکل ۳

با برهم زدن تعادل و قرینه سازی و ایجاد یک مرکز دید، درست راست تابلو، و ترکیب تضاد میان سیاهی شب و سفیدی دامن‌های حریر بانوان، یک سبک کاملاً جدیدی خلق کرده است. ولی اصولی که در این صفحه‌ی نقاشی مراعات شده کاملاً اروپایی است. یادآوری نقاط روشنی در بالای صفحه، برای ایجاد تعادل از حیث رنگ، کاری است که «راهرانندت» در تابلوهای نقاشی خود مراعات مینمود. بنابراین مراتب میتوان گفت این سبک نقاشی از اصول نقاشی مکتب‌های هرات و اصفهان دور شده و راه جدیدی برای خود بدست آورده که از اصلیت آن میکاهد. با اینحال این سبک جدید نیز کاملاً ایرانی است زیرا در حدود یک قرن بعد از این تاریخ در تصاویر هزارویک شب صنیع‌الملک، و روی بسیاری از تابلوهای رنگ و روغنی و صفحات کتاب‌ها، و داستانها، و پشت جعبه آینه‌ها، و قلمدانها، ظاهر میگردد. احتمال دارد که این آتش‌بازی بمناسبت تاج‌گذاری شاه جهان پسر جهانگیر شاه که در ۱۰۳۸ هجری اتفاق افتاد

برگرددش دیده میشود و کمربندش از پارچه‌ی زریفت است. این تصویر احتمالاً در حدود ۱۰۲۳ نقش شده و سبک نقاشی آن تا اندازه‌ای از سبک نقاشی اروپایی خصوصاً در ایجاد مناظر، تقلید شده ولی از بسیاری جهات در ردیف سبک‌های نقاشی ایرانی قرار دارد، جز اینکه از نظر «یکه صورت‌سازی» کاملاً با اصول مکتب نقاشی هند و ایرانی تطبیق میکند.

در شکل ۲ تقریباً تمام خصوصیات مکتب هند و ایرانی نمایان است. در نقاشی مکتب هرات و مکتب صفوی چنین سابقه‌ای وجود نداشت که اشخاص را شبیه خودشان نقاشی کنند و منظور اصلی شناختن آنها باشد. نقاش مکتب هرات سعی میکرد با ایجاد تناسب رنگ‌ها صفحه‌ای بوجود بیاورد که بیشتر حظ چشم و روح باشد و قهرمانان صفحات مصور اوفقط بهانه‌ای برای ایجاد هماهنگی خطوط و رنگ‌ها بودند. در اینجا برعکس قصد اصلی نقاش این است که خانم‌های درباری را با تمام خصوصیات و جزئیات حالت و قیافه‌هایشان نشان دهد. ضمناً



شکل ۵

افتاده شده و روی قبا نیز شالی از حریر دیده میشود، که لبه‌های آن با پیراق طلا مزین شده. روی عمامه‌اش جواهرات متعدد دیده میشود، و گردن بندی از مروارید برگردن دارد. گوشواره‌هایی بر گوشش آویزان است و کمر بند مرصعی بر کمرش دیده میشود، که در آن خنجر زیبایی قرار داده شده. در این شاهزاده خصوصیات مرد جنگجو و جوان جمع شده است. آنچه که در اینجا مورد پسند ما است، ظرافتی است که در نقش این تصویر بکار برده شده و آنرا بصورت شاهکاری در آورده است. این جوان برای نامزدش که در شکل ۵ دیده میشود خود را اینطور آرایش داده، زیرا احتمالاً روز نامزدی اوست، و شما نامزد او را در صفحه مقابل این مرقع (شکل ۵) می‌بینید و این تصویر در آن مرقع طوری قرار داده شده که عروس و داماد بیکدیگر نگاه میکنند و در مقابل هم قرار گرفته‌اند. اگر مرقع گلشن را ورق بزنید تقریباً با تمام خانواده‌ی بابر شاه آشنا خواهید شد و ما این کار را در مقاله‌ی آتی خواهیم کرد.



شکل ۴

انجام گرفته شده باشد، و این صفحه‌ی نقاشی بصورت یادگاری از آن جشن ثبت گردیده است.

در این صورت کودکی که دامن بانوئی را گرفته و پشت به نقاش کرده است، مراد جوانترین کودکان شاه جهان است که در ۱۰۳۴ هجری بدنیآ آمده و در هنگام تاجگذاری در حدود سه سال داشته است.

شکل ۳ منظره دیگری از این جشن و آتش‌بازی را نشان میدهد و پرازیک دنیا لطف و ظرافت است. در اینجا واقعاً نقاش ما را وارد دنیای هزارویک‌شب میکند، و با وجود مصنوعی بودن حرکات موفق شده است صفحه مصور را بصورت یک قطعه شعر زیبا یا یک ترانه دلنشین در آورد.

شکل ۴ شهریار پسر جهانگیر، را نشان میدهد. وی جام شرابی در دست دارد و دست چپ را روی شمشیر خود گرفته است. شلوار او مانند تمام شلوارهای دورانهای قدیم راه راه است، و برنگ قهوه‌ای و سبز میباشد. روی آن قبایی از حریر